خلاصه کتاب

خلاصه داستان کتاب " عطر شب بوها"

این کتاب به عنوان یکی از مجموعه های "قصه فرماندهان" با بیان ۹ داستان کوتاه به شکلی جذاب و مختصر به بیان بخشی از وقایع و رزمندگی های "سردار شهید حاج محمود شهبازی" می پردازد. همچنین در این کتاب به دلاوری های این سردار در کنار دیگر سردارهای بزرگ جنگ همچون شهیدهمت و محسن رضایی و احمدمتوسلیان نیز اشاره شده است.

محمود شهبازی مصداق بارز مهاجر الی الله بود. هر جا ردی از شناخت و معرفت او در ذهن ها می نشست از آنجا هجرت می کرد و به جای دیگری می رفت تا گمنام بماند. محمود شهبازی عارف عنوان گریزی بود که به قله گمنامی رسید و میان مردم شهرش – اصفهان – و خانواده و دوستان هیچ کس او را در سِمت فرمانده نمی شناخت. فرمانده کل سپاه در دوران دفاع مقدس درباره ی او می گفت:

((اگر محمود شهبازی زنده می ماند ، فرمانده نیروی زمینی سپاه می شد.))

نویسنده : حمید حسام

سال انتشار : ۱۳۹۱

برشی از متن :

. . . میان یه چاله توپی نشست . فقط سرش از چاله بیرون بود. کلاش را به سمت موشک روی تانک گرفت و یک خشاب خالی کرد نفرات دور و بر تانک او را دیدند و چاله را به گلوله بستند . سرخی گلوله های رسام تک تیراندازها ، تا چاله را خط می کشید. شهبازی حس کرد دیگر آخر راه است . زیر لب شهادتین را گفت . دستی روی آرم مخملی سپاه ، که با خون محقق به سرخی می زد کشید. می دانست عراقی ها با پاسداران چه معامله ای می کنند. نه ، نه نباید اسیر بشم و . . .